

بمناسبت رحلت حضرت آية الله العظمى آقاى
بروجردى قدس سره ، مسئله مرجعيت ، مطرح
مهافل وقضاوتهاى مختلف است ، ماخالى ازهر-
گونه اصطلاح ، در بحث ذيل شخصيت مرجع ،
شرائط مرجع ، طرز انتخاب ، ارزش و خدماتى
را كه از يك مرجع روحانى بايد انتظار داشت ،
مورد بحث قرار مى دهيم .

اكبر هاشمى

شيعة و مرجعيت

شخصيت مرجع

اينكه بشخصى مرجع مىگویند یا از آن باب است ، كه مرجع تقلید
مردم است ، و مردم در دانستن وظائف دينى و احكام فقہى با و راجعه مىکنند
و یا اين کلمه از آنجا پيدا شده ، كه در روايتى «روايت احاديث» مرجع
مردم در حوادث و پيش آمدها ، تعيين شده اند ، و در هر حال ، مرجع
كسى است كه مردم از او تقليد کرده و در امور مذهبى خود با و راجعه
مىکنند ، و يك نوع امور و حوادث خاصيکه جنبه شخصى ندارد ، در
شرائط معين ، بايد بآن نقطه ، ارجاع شود .

در زمان حيات ائمه هدى ، مرجع اصلى در امور و حوادث و بيسان

احکام ، ایشان بودند ، و با کسانى از اصحاب شایسته را که خود تعیین مى کردند.

در زمان غیبت امام علیه السلام طبق مدارك قطعی و روایات ، فقهاء صاحب نظر و مجتهدین عادل ، مرجع تقلید و حوادث خاص ، برای مردم تعیین شدند ، بنا بر این مرجعیت بدین معنی ، مقامی بس بزرگ و ارجمند است ، چه ، این مقام ، مربوط به شخص پیغمبر و ائمه اطهار است ، و در زمان غیبت شریفترین و لایقترین افراد بشر را برای آن انتخاب کرده اند .

آنچه که بطور مسلم ، از مناصب فقیه است ، یکی قضاوت است و دیگری افتاء و اموالات ، و اختیار تصرف فقیه ، خود احتیاج به بحث و تتبع مستقلى دارد ، که حدود و شرائط آن تعیین شود (۱) اما این که بجهت دلیل این مقام و منصبها در اختیار فقیه گذارده شده است ، علاوه از حکم عقل و دلالت برخی آیات ، بعنوان نمونه می توان

روایات ذیل را بیان کرد !

۱ - علی علیه السلام از پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود :

اللهم ارحم خلفائی! قیل : یا رسول الله ومن خلفائك ؟ قال :
الذین یأتون بعدی و یروون حدیثی و سنتی (۲)

ترجمه : خدایا جانشینان مرا رحمت فرما .

- جانشینان شما کیستند ؟

۱ - رساله مستقلى در ولایت فقیه بقلم یکی از اعضاء هیئت تحریریه :
مکتب تشیع در آینده تهیه خواهد شد .

۲ - این روایت و روایات بعد از عوائد نراقی نقل میکنیم .

۴- آنها که پس از من می آیند و روایات و سنن مرا بر مردم میرسانند .
عن السكوني عن ابي عبد الله (ع) قال: قال رسول الله (ص) الفقهاء
امناء الرسل.

ترجمه: سکونی از امام صادق عليه السلام روایت می کند که فرمود:
پیغمبر فرموده است: فقهاء امانت دارهای انبیایند (آنچه را که خدا به
انبیاء محول کرده است، آنها به امانت نزد فقهاء گذارده اند).

۲- التوقيع المروي... واما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها
الى رواة احاديثنا فانهم حجتي عليكم وانا حجة الله عليهم.

ترجمه: در توقيعی که از ناحیه امام زمان عليه السلام صادر شده است، میفرماید
در (پیش آمده های) که حل آنها بدست امام بوده (بروات احادیث ما) آنها
که فتوای خود را از روایات ما اخذ میکنند (مراجعه کنید! آنها حجت
من بر شما و من حجت خدا بر آنانم).

۴- عن ابي عبد الله ع: اجعلوا اينكم رجلا ممن عرف حلالنا
وحرماننا فاني قد جعلته قاضياً

ترجمه: ردی را که بخوبی حلال و حرام ما را بشناسد، در بین خودتان
حکم قرار دهید، چنین کس را بقضارت منصوب میکنیم.

همجاری الامور والاحكام على ايدي العلماء بالله، الامناء
على حلاله وحرامه.

ترجمه: سررشته کارها و احکام بدست کسانی است که عالم
بخدا و امین بر حلال و حرام احکام خدایند.

۶- وایات زیادی که در باره مقام علماء و اینکه آنها وارث انبیاء
و نزدیکترین افراد بانبیاء می باشند را در شده نیز شاهد مدعی است.

از مجموع روایات استفاده می شود که در زمان غیبت کبرای امام، کس
 «یعنی بعنوان جانشینی و نیابت خاصه انتخاب نشده است. بلکه کسانی
 که « فقیه » و عارف با حکام الهی از روی منابع وحی و روایات باشند و
 ضمناً مورد اعتماد « امین » باشند ؛ استحقاق چنین مقامی را دارند.

البته بحث درباره حدود صلاحیت روایات و دلالت آنها از حوصله
 مقاله خارج است ، ولی با دقت در کلمه « فقه » و « معرفت » و « امانت »
 « علم بالله » و همچنین کلمه « نظر » که در روایت دیگری است ، می توان
 شرایط افتاء و قضاء را که عبارت از ایمان و اجتهاد و عدالت است بدست
 آورد .

یعنی مجتهد عادل جامع شرایط، برای این منصب برگزیده شده است.
 و عناوین : وارث انبیاء ، امین الرسل ، خلیفة الرسول ، حصن الاسلام ،
 مثل الانبیاء ، بمنزلة الانبیاء، حجة الامام ، مرجع الحوادث ؛ کافل ایتم
 آل محمد ... بآنها داده شده است .

هر مجتهد جامع شرایط حق فتوی دادن و بیان حکم الهی را دارد ،
 ولی مردم باید تنها به اعلم و اتقی و خلاصه آنکه لیاقت و صلاحیت علمی و
 تقوایی بیشتری دارد مراجعه کنند (البته بنابر فتوای مشهور) .

و چنانکه میدانیم ، در هر رشته و فنی ؛ دانشمندان آن فن مساوی
 نیستند و دامنه اطلاعات آنها با هم تفاوت دارد ، و معمولاً يك یا چند نفر
 آنان شایستگی بیشتری پیدا می کنند .

و برای اطمینان خاطر ، مخصوصاً در موارد اختلاف . بآنکه آشنا تر

و شایسته تر است مراجعه میشود، در رشته فقهات هم بعضی، ممتاز میشوند
 و صلاحیت مرجعیت عمومی و مطلق ایجاب میکنند.

ریاست، یا مرجعیت کل

گرچه در روایات کلمه رئیس در این موارد نداریم، ولی از آنجا
 که تنهائیه فتوی دادن نیست، بلکه دخالت در بسیاری از حوارث
 اجتماعی و اداره امور دینی و رسیدگی بحوزه های علمیه، و خلاصه سر-
 پرستی همه جانبه علمی و مذهبی مردم، بدست فقیه و اگذار شده است - و
 این خود احتیاج یک حوزه مرکزی دارد، تا موجب مرجع و اختلاف
 نظر نگردد، و همانطور که در کلیه شئونیکه جنبه سرپرستی عمومی در
 کار است، باید قدرت متمرکز بوده و منبع الهام واحدی داشته باشد،
 همینطور در این مورد هم طبعاً، مرجعیت ولو پس از مدتی ابهام و تزلزل،
 بالاخره در مورد یک نفر متمرکز می شود، البته دیگران هم انجام وظیفه
 میکنند، ولی ریاست و مرجعیت مطلق بدست یک نفر است.

چیزی که لازم است تذکر داده شود، اینکه ریاست در این موارد، غیر از
 ریاست و حکومت های معمولی دیگر است

این ریاست غیر از مسؤلیت و مرارت چیزی ندارد، و فقط در پناه آن باید
 بانجام وظیفه و رسیدگی بحوائج دینی مردم پرداخت.

و از این روی بینیم که در این طبقه، ریاست را برای ریاست نمیخواهند
 و لذا هر چه هم قدرت بدست میآورد در غیر راه خدا، و برای غیر خدا
 مصرف نمی کنند و بهمان نسبت که بر حجم قدرت و نفوذشان افزوده
 می شود، شعاع آثار خیر و خدماتهای اجتماعی آنها وسیعتر می گردد.

وراستی در بین این سلسله از رؤسا کسی را سراغ نداریم ، که از این قدرت سوءاستفاده کرده ، و یا مثلاً همتش مصروف شخص خود و بستگانش باشد ، در صورتیکه در مورد حکومت‌های مادی ، سوءاستفاده فراوان چشم می‌خورد .

خوانندگان محترم ، خوب است اندکی شرح‌زندگی مراجع بزرگ شیعه را بخوانند ، تا صحت این ادعا را خود تصدیق فرمایند .

مثلاً حضرت آیه‌الله بروجردی با اینکه در سال چندین ملیون تومان جواهرات بدستشان می‌رسید و به صرف می‌رساندند، ولی تانزدیک مرگ خود در قم ، منزل شخصی نداشتند . کتابخانه مدسه فیضیه قم برفسور موریس پزشکی معالجه‌ای که از فرانسه برای معالجه ایشان آمده بود ، وقتی که وضع ساده و بی‌آلایش منزل ایشان را با وجود آنهمه قدرت و نفوذ دیده بود و با رضع باب و کشمیشهای اروپا مقایسه کرد ، بی‌اختیار اظهار تعجب و حیرت کرده بود .

این مرد هشتاد و هشت ساله ناتوان ، اغلب ساعات روز و شب را مشغول زحمت و رسیدگی بوضع بمردم بود ، درباره آیه‌الله شیخ مرتضی انصاری می‌نویسند : وقتی که از دنیا رحلت کرد ، دارائی او فقط هفده تومان بود و بهمان اندازه هم قرض داشت ، در صورتیکه همه شیعیان آن زمان ، وجوهشان را برای ایشان می‌فرستادند .

مینویسند : یکروز در حالیکه بیست هزار تومان (پول آن زمان) پول سهم در خدمتش بود ، طلبکاری رسید و چهار تومان از ایشان مطالبه کرد ؛ ایشان چهارروز مهلت خواستند ، وقتی که طلبکار رفت یکی

سؤال کرد چرا طلبش را ندادید؟ فرمود: او از خود من طلب دارد و این پول مال مردم است، میخواهم این کلیم را بفروشم و طلبش را بدهم.

مالیوز نماینده سیاسی انگلستان، در راه مدائن شیخ را دید بر فقایش گفت: این شخص یا عیسی و یا نایب خاص عیسی است که این اندازه بدنیا بی اعتنا است.

سالار که داماد و شاگرد شیخ مفید است میگوید: فقط مختصری از وقت شبانه روز شیخ مفید با خواب میگذشت و بقیه را با درس گفتن و نماز خواندن و مطالعه و قرائت قرآن میگذراند.

و این همان کس است که از طرف حضرت حجت علیه السلام سه مرتبه برایش توقیع صادر شده و او را بنده صالح و مولی الرشید، و شیخ سدید خطاب میکرد.

در تاریخ زندگی اغلب مراجع اینگونه نقطه های روشن و تابناکی که حاکی از عدم توجه بر ریاست و لذائذ مادی است، بسیار دیده میشود، و اصلا چون پایه های این ریاست و منصب بر درجه معنویت و لیاقت علمی شخص گذارده شده است، اشخاص آلوده و غرض ورز و لواطینکه تلاش هم میکنند، نمیتوانند باین کرسی تکیه بزنند.

طرز انتخاب مرجع

با آنکه حکم شرعی انتخاب مرجع تقلید روشن است، ولی در این خصوص عقائد مختلف و طرفه ای که اغلب خالی از خرافه نیست در بین عوام دیده میشود.

جمعی معتقدند که اصلا تعیین مرجع از حدود صلاحیت بشر خارج

است و حتماً باید با وحی و الهام مرجع کل تعیین شود.

گروهی فکر میکنند که باید خود امام زمان بهمه یا جمعی از علماء بگویند که فلان شخص را انتخاب کنید.

بعضی میگویند: علماء شیعه دور هم جمع میشوند و اسامی آنها را که ظاهراً لیاقت مرجعیت دارند، نوشته و روی ضریح مطهر حضرت امیر علیه السلام میگذارند، هر که لایق تر بود حضرت اسم او را جدا کرده بداخل ضریح میبرد. !!

عده ای میگویند که باید خواب نما شود، یا خود مرجع باشخص و یا اشخاص دیگری که مورد وثوقند در خواب ببینند که کمر بند ریاست بکمر فلان آقا بسته شده، یا ردای امامت بدوش فلان آیه الله افتاده، یا ذوالفقار دودم مولارا حمائل فلان محتمد کرده اند !!

گروهی هم از فرزند ان مرجع سابق سؤال میکنند و تصور میکنند مسئله ازنی است.

و یا مثلاً میپرسند: آیا مرجع قبل چه کسی را تعیین کرده است؟ اینها و خیلی مطالب خرافی دیگر را بعضی از متدینین و تیب متشرع فکر میکنند.

در مقابل کسانی که حتی به آب خوردن شان هم رنگ سیاسی میدهند، میگویند این ریاست هم مثل حکومتهای مادی، زائیده سیاست وقت، بلکه بطور غیر مستقیم بدست دیپلماتهای خارجی انجام میگردد!!! شاید عده ای هم گمان کنند که این انتخاب هم مثل انتخابات پارلمانی معمول در کشور ما است، که بر اساس بست و بند کاندیداها با متفقدین

گروهی میگویند که فلان شخص را انتخاب کنید.

محل و یادولت و بالاخره پول و پولو و پارتی است !!
 چه میشود کرد؟! عقیده آزاد است! هر کس هر چه بمغزش
 گذشت میگوید.

ما برای روشن شدن افکار عرض میکنیم که: تعیین مرجع نه توسط
 وحی است، نه الهام، نه خواب، نه ارثی و نه بتعیین مرجع سابق و نه بر
 اساس سیاست، و دسته بندیهای مادی. خیر بر هیچ يك از اینها مبتنی
 نیست.

این انتخاب صد در صد بر اساس لیاقت علمی و تقوایی و توجه علماء
 و فضلاء فهمیده و اهل خیره صالح و بی طرف، انجام میگردد. این درخت
 بدست پیغمبر بزرگوار اسلام، چنان اساسی و روی حساب صحیح غرس
 شده، که هر چه اشخاس بخواهند شاخه هایش را بشکند، باز ریشه
 قوی و نیرومندش که از سر چشمه وحی آب میخورد، خیلی زود شاخ و برگ
 و میوه میدهد.

ملاك صلاحیت مرجعیت، ایمان و علم و تقوی است، و راه این امور
 بروی همه بازست، همه آزادند که درس بخوانند و وقتی استعداد پیدا
 کردند اجتهاد کنند، افکار علمی خود را در معرض استفاده و قضاوت
 دیگران قرار دهند. همه میتوانند در تقویت ایمان و تقوی و تحصیل
 بکوشند، و مثل زور و فامیل و نژاد و زبان و سیاه و سفیدی و غیره نیست که
 انحصاری باشد، نه، ملاك علم است و تقوی و لیاقت معنوی و روحانی.

و لذا شما بسیاری از مراجع را می بینید که از خانواده فقیر و تمسعی

دستی بوده اند ، و مال و منال و شخصیت فوق العاده خانوادگی نداشته اند تا از آن استفاده کنند . و اگر هم داشته اند بهیچوجه از این ثروت و شخصیت در طریق احراز مرجعیت استفاده نکرده اند ؛ بلکه علی رغم اشراف منشی زحمت و همرارت مطالعه و تتبع و کوشش مداوم برای تحصیل و تدریس و بالاخره بدست آوردن فضائل معنوی و ملکات نفسانی را تحمل کرده و از این طریق شایستگی پیدا کرده اند .

برای تشخیص اعلم دستور این است که اگر خود شخص اهل اطلاع است و قدرت مقایسه و تشخیص دقائق و ریزه کاریهای فنی را دارد ، طبق تشخیص خود ، کسی را که لایقتر دانست بوی مراجعه میکنند . و برای آنها که خود اهل خبره نیستند و یا دسترسی بذكر «حضر همه شخصیتهای بزرگ علمی پیدا نکرده اند ، اینان بکسانی مراجعه میکنند که اهل فن و خبره بوده و در عین حال عادل و شایسته اند ، و از مراتب علمی آقبیان بخوبی اطلاع دارند ، این مردمی که خود هم فقیه ، و عادلند می توانند درجه فقاقت و علم کسی را بفهمند .

اگر نتیجه علم و اطلاعات کسی محسوس باشد ، برای خود مردم فهمیدن مقدار علم و پیدا کردن اعلم مشکل نیست .

طیبی که همه مراجعین را بهترین وجهه معامله میکنند ، مهندسی که نقشه های خوب از آب در میآورد ، سیاستمداری که همیشه در سیاست خود موفق است ، لیاقت و اعلمیت وی برای همه کس پیداست

ولی پیدا کردن بهترین فیلسوف ، یا حقوقدان و یا فقیه ، که عامه از

فهم آثار دقیق آن بی بهره اند، احتیاج باشخاص تحصیل کرده و آشنای با این علوم دارد؛ و خلاصه باید باهل خبره رجوع کرد.

و مامیینیم که این طریقہ تاچه حد انسان را بواقع نزدیک میکند. و معمولادر ادوار مختلف کسانی که شایستگی واقعی داشته، ریاست مذهبی شیعه را در دست گرفته اند، و شاید همین باعث شده است که بعضی گمان کنند که تعیین مرجع توسط وحی یا مشورت با حضرت امیر، و امثال آن بوده است، چه معمولاً آن که بالاخره انتخاب شده است؛ همان کسی بوده که در واقع از همه بهتر بوده، و این دلیل بر آن است، که راهیکه برای تشخیص آن در شرع تعیین شده، بهترین راه صحیح است، از آنرو که اگر کسانی که خود بخوبی فقیهند، و از این سرچشمه سیراب شده اند، و علاوه عادل و صحیح العمل می باشند، بناسد تشخیص دهند، آنها خوب تشخیص خواهند داد.

ولذا در اینجا باید این جهت را تذکر دهیم که این روزنامه نویسها و تقویمچیها و عکس فروشان و خواب بینها و امثال آنها بیچوجه شایستگی و خالت در این شأن مقدس را ندارند و قضاوت و تشخیص آنها مدرک نمیتواند باشد، ردیف کردن عکسها دلیل بر مراتب علمی و درجات آنها نیست، قضاوت اشخاص نفهمیده و هو سباز صحیح نیست، مسئله را خواهی و سرسری نیست که هر کسی بگوید، من اینطور فکر میکنم، نه، باید آنها که درس آقایان را دیده اند و عمیق بطرز فکر و درجه علم و دقت و اطلاع اعظام بی برده اند و در عین حال صالح، خوب و بی غرضند، آنها قضاوت کنند و مردم هم پذیرند.

کتابخانہ مبررہ سیرینہ فیضیہ قم

۲۷۴

مکتبہ تشیع

فاستلوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون

انتظاریکه پایان خواهد رسید

مردم شهرستانها همه منتظرند که تکلیف و وظیفه آنها از نظر مرجع

چه میشود؟ کتابخانہ مدرسہ فیضیہ قم

البته همانطور که گفتیم، حساب انتخاب فوری نیست، باید دید

نتیجه قضاوت علماء و فضلاء حوزه های علمیه و شهرستانها چه میشود؟

خیلی آرام، بطور طبیعی، تدریجاً آنکه بیشتر از نظر محافل علمی مذهبی مورد

نظر است، تعیین می شود، شما خود می دانید که آقایان علماء محترم حوزه و شهرستان

نهاد جریان مطالعه و تحقیقند و البته خیلی اصرار دارند که حتی الامکان ایجاد

اختلاف نظر و سلیقه پیش نیاید و هم، هر چه زودتر مردم از تحیر در آیند.

معمولاً پس از فوت یک مرجع بزرگ، اینگونه نوسانات و تزلزل تا

مدتی باقی است، رفته رفته مشکل حل میشود.

البته این انتظار میرود که آقایانیکه یکی از اعلام و مراجع محترم

بالخصوص مورد نظرشان بوده، و میل دارند درباره ایشان تبلیغ کنند،

مصلح عمومی اسلامی را در نحوه معرفی و تبلیغات خود در نظر بگیرند

و از هر گونه عملی که باختلاف و عکس العمل زننده منجر گردد، خودداری

کنند، چه همه میدانیم که هیچیک از حضرات اعلام و مراجع بزرگوار

بهیچوجه راضی نیستند که در این عمل مقدس و هدف پاک معنوی، نگرانی

و آلودگی پیدا شود، امید است پروردگار بزرگ همه را در بسط و اشاعه

احکام نورانی اسلام و پیشبرد هدف مقدس ولی عصر عجل الله تعالی فرجه

مؤید و منصور دارد.